

راهپیمایی مردمی: تعرض انقلاب علیه ضد انقلاب

جنبش اعتلای و وظایف کمونیستها

همه رویدادهای اجتماعی حکایت از آن می کنند که رشد فرا بنده مبارزه طبقاتی و جنگ داخلی، دورنمای جامعه ما است. فقر و فلاکت بی شمار با بقه کارگران و سوا برتوده ها و افزایش آگاهی انقلابی در میان آنها، وسعت یابی روحیه تعرضی سوده ها و انگشاف مبارزات سوده ای و تعمیق هرچه بیشتر آن، عمق یابی بحران اقتصادی سیستم گنبدیده ها کمو علاج نا پذیری آن شدت یابی تضادهای درون هیات ها که موا استیصال رشد با بنده آن و با لایه رشد نیروهای انقلابی و بخصوص نیروهای کمونیست به گیر و گسترده شدن میدان نفوذ سوده ای آنها، همه و همه بیا نگر سر نزدیک شدن انقلاب سوده ها است.

امروز مبارزات طبقه کارگر در کارخانه ها، مبارزات آوارگان جنگ زده، مبارزات افسران زخم کش شهری، مبارزات دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی و در یک کلام مبارزات سوده ای هیات ها که ارتجاعی را ماهره کرده است، اگر چه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و قشع ای کوتاه دور سیر شدنی بنده جنبش موجود آورد، با گرچه حکومت موجود به تبلیغات شوونیستی گسترده ای برای منحرف ساختن جنبش سوده ای اقدام نمود، اگر چه رژیم حاکم به سرکوب متمرکزی علیه کمونیستها به پیگیری دست زد تا آنان را جدا از سوده ها نگاه دارد، اما جنبش خاموش نشد.

جنبش در اعماق جامعه یعنی در تضادهای طبقاتی ریشه دارد. مبارزه طبقاتی انعکاس مستقیم این تضادهای آشتی نا پذیر بوده و ارتجاع علیه هم تنامی تشبها و توطئه گریها، هرگز و هرگز نخواهد توانست ارتعمیق این مبارزه جلو گیری نماید.

جنگ ارتجاعی و قشع ای کوتاه در عمق یابی مبارزه طبقاتی موجود آورد، اما بلافاصله نتایج و بیامده های فلاکت با ر جنگ، آگاه گسری کمونیستها به پیگیری و فروریختن توهم بخش مهمی از سوده ها، به ستر ما عدی جهت گسترش بیما بقسه مبارزه طبقاتی فراهم آورد. پیروزوای تصور کردنی تبلیغات شوونیستی در میان مسردم، با بکا رگرفتن جنا بکا را نه ترین سرکوب ها در فبال کمونیستها به پیگیری استین و با فمال نمودن رویزونیستها به سرتد، میتوانا ز رشد مبارزه طبقاتی جلو گیری کند، اما واقعیت ها نشان داد که پیروزوای ارتجاعی گورا ست و

وحشت ارتجاع و رویزونیستها ناپیگیری مجاهدین و تسلیم طلبی راه کارگر

جریان سیال مبارزه طبقاتی نمیتواند آرام بگیرد.

پرواض است که در چنین شرایط متلاطمی کمونیستها با پدیده استقبال جنبش او جگیر بنده سوده ها بشتا بند، طبقه کارگر و کمونیستها با بند در انقلاب آینده نقش هدا یت کننده ایفا نما بند. طبقه کارگر و کمونیستها با بدخط ضد انقلابی لیبیرالیا و رویزونیستها و نیز خط نا پیگیری دمکراتها را افشا کرده و سوده ها را به حصول سیاست انقلابی خود بسیج نموده و بسوی کسب قدرت نپش بروند.

طبقه کارگر و کمونیستها با پدیده بدست گرفتن سکان جنبش، انقلاب را تا به آخر به پیش برده و سوسیا لیسیم را برقرار نما بند. آری در برابر این همه وظایف سنگین اما پرشکوه و شور انگیز، از هم اکنون با بدمشاقانه و فعلا لانه به استقبال مبارزه و جگیر بنده سوده ها شنا فت، با بدتنامی قدرت ابتکار و خلاقیت را بکار انداخت، سوده ها را با پدیده های انقلاب تا به آخر پرورش داد تا آنان را مشکل و با زهم مشکل نمود، با بدخشم و عیان سوده ها را به مبارزه ای آگاهانه تبدیل نموده، کانونهای مقاومت و مبارزه پراکنده کنونی را همسوسا ختودا منسه این مبارزات را گسترده کرد و بدون انجام این وظایف، انقلاب در راستای منافع پرولتاریا و سوسیا لیسیم حرکت نخواهد کرد. هرگز نباید فراموش کرد که توفان مبارزه طبقاتی در پیش است و هرگز نباید فراموش کرد که بدون رهبری

پرولتاریا این توفان سیرتعالی را نخواهد همود و انقلاب پیروز مند بوقوع نخواهد پیوست. در صورت فقدان رهبری طبقه کارگر، در بهترین حالت، خرده پیروزوای دمکرات، انقلاب را در چهار چوب منافع تنگ خود ماهره خواهد کرد و از پیروزی سوسیا لیسیم شدت مناعت بعمل خواهد آورد.

مشکلات بسیار و بسیار است، اما پرولتاریا با اتکاء به ایدئولوژی علمی خود میتواند این جهان را تغییر دهد و دنیا ی نوینی را برقرار سازد. ما و کمیسر لنینیسم و شور و بسیا کسری پرولتاریا شی، سلاح شکست نا پذیری است که کمونیستها را در راه انقلاب پیگیریانه به پیش میراند. با چنین روحیه ای است که کمونیستها مبارزه با استقبال جنبش او جگیر بنده بشتا بند.

شرایط جدید و تاکتیک نوین

با توجه به تحلیل از شرایط عینی جامعه و با توجه به وظایف سنگین کمونیستها است که تا کنون برانگیختن جنبش سوده ای امر بسیار پراهمیتی بشمار می آید. امروز جامعه ما در اعماق بسرمیبرد و سوده ها بیش از پیش آماج دگی مبارزه مستقیم علیه دستگا حکومتی را کسب مینما بند. در میان پرولتاریا و سوا برتوده ها روحیه تعرضی علیه حکومت ظلم و ستم سرما پیدا ران، بیش از پیش شکوفا گشته، اعتماد به دولت حاکم مضحل گشته و خشمهای فروخورده سا لهای ستمگری به شورها و طغیانها بدل میگردد. در چنین اوضاعی کمونیستها با بدرو حیه تعرضی پرولتاریا و سوا برتوده ها را تقویت نموده و سیاست تشدید خفقان ارتجاع را درهم شکنند. رژیم جمهوری اسلامی در طی جنگ ارتجاعی شیدیدا به سرکوب انقلابیون تعقیب و شکنجه و اعدام کمونیستها و انقلابیون پرداخت و کوشش کرد تا جو خفقان آمیزی حاکم بر جامعه کرده و سوده ها را به خمودگی و سکوت وادارد. اگر چه سیروقایع و حوادث پس از جنگ و آشکار شدن ماهیت پلید جنگ و اهداف ارتجاعی آن تکانهای بسیار زیادی در میان سوده ها بوجود آورد، اما کمونیستها بمنجا به عنصر آگاه مینمایست در جهت تغییر انقلابی و با زهم بیشتر عنصر عینی حرکت نما بند. کمونیستها با بدرو حیه تعرضی سوده ها را هر چه بیشتر پیدا ر کرده و آنان را در جهت خواستهای عادلانه شان علیه این حکومت برانگیزا بند. کمونیستها با پدیده اتکاء به

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

تا کنکریهای انقلابی متناسب با دوران اعتلا جنبشهای سیاسی و اجتماعی را برپا نموده و زمینه‌های را بوجود آوردند تا در پرتو این جنبشهای مختلف جنبش پروری یکدیگر را شیرا انقلابی گذاشته و بر عمق، سطح و ایضا دیکدیگر بنا فرمایند. ما سوسیال دموکراتها و طبقه‌های و جنگ داخلی یعنی جنگ میان پرولتاریا و سایر طبقه‌ها از یکسو و بورژوازی و امپریالیستها و کلیه مرتجعین از سوی دیگر پیش میرویم. ما باید یکوشیم تا این دورنمای شکوهمند و انقلابی هر چه سریعتر تحقق یابد. ما باید همگامانه عنصر آگاه در جهت تحقق این امر با دنیا و ما یکوشیم. مبنای عمومی سازمان ما در جهت چنین هدفی سر میگذرد و سیاست دانشجویی ما نیز بر پایه این مبنای عمومی است.

جنبش دانشجویی همگامانه به بخش لایتنسک جنبش دمکراتیک - فدا میریالیستی خلق نقش فعالی در این زمینه میتواند بازی کند. امروز جنبش دانشجویی - دانش آموزی حرکت بسیار زیادی از خود نشان داده و کمونیستها با بدبینی حرکت و بیوفایی را - بر اساس یک سیاست و تاکتیک انقلابی شکوفا نرسانند و همگامانه با ملی کمک - کننده به کل جنبش خلق در نظر داشته باشند. در جنبش سزای که با ملاحظه انتقال سفارت و شروع جنگ تفاوت دارد و در بدایه انتخابات سزارهای تاکتیکی صحیح، این جنبش (و نیز سایر جنبشها) را بسنج کرده و بنا بر طبقه‌های و طبقه‌های را بسنجید نمود. ما بر پایه زکناشی دانشکاه و یکسای از سزارهای اصلی تاکتیکی این دوره میباشد. این سزارها تنها با نگرخواست صنفی دهها هزار دانشجو است، بلکه بیژنه مهمتر از آن با زکناش دانشکاه همگامانه با زکناش یک سنگسر انقلابی و کانون آگاه انقلابی مطرح است. ما زکناشی دانشکاه همگامانه یکی از نقاط ضعف رژیم است و این نقطه ضعف را باید مورد تعرض قرار داد. ارتجاع را به استقبال بیشتری کشاند و جنبش بوده‌ای را با زهم تکشاف داد. با پورتو - نستی و ریزبونیستی خواهد بود اگر هدف این با زکناشی را تحقق خواست صنفی توده‌ها دانشجویان مترقی در این نظام منحنج جمهوری اسلامی، انسانان تهیک مبارزه سیاسی انقلابی، بلکه مبارزه‌های صنفی است، و راستروانه خواهد بود اگر سزار تاکتیکی در این دوره را به شمار با زکناشی دانشکاه محدود ساخته و در جهت خواست جنبش کارگری و جنبش دمکراتیک فدا میریالیستی را بدست فراموشی سپرد. سزارها زکناشی سیاسی دانشکاه تنها یکی از سزارهای تاکتیکی و انقلابی است که میتواند در گسترده تر نمودن صفوف جنبش توده‌های نقش مهمی بازی نماید. و با لایحه اگونومیستی خواهد بود اگر این عرصه از مبارزه یعنی با زکناشی دانشکاه را رها کرده و آنرا بدست لیبرالیتهای فدا نطلبی سپردن آنان در رقابت با حزبها خود را بدافعین با زکناشی و آنرا دشواری حلوه دهند.

با توجه به جنبش‌های سیاسی و تحلیلی است که

ما زمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار، در چهار چوب مبنای عمومی سازمان پیکار به مسئله با زکناشی دانشکاه در خورد فعال نموده و بسند سازماندهی فعالیتهای مختلف و از جمله سندهای تظاهرات دست میزنند. روز چهارشنبه ۵۹/۱۰/۱۷ تظاهرات موضعی برای با زکناشی دانشکاهها برپا میگردد. در این تظاهرات رفقای انقلابی بی باکانه در طرف دانشکاهها اعتراض دست زده و با شعارهایی چون "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالیتهای، زنده باد پیکار توده‌ها"، "از فحطی و گزانی، این جنگ ارتجاعی، مردم به تنگ آمدند"، "بهبودی یعنی صدر، برای سرکوب خلق متحد و برادر" و "انقلاب فرهنگی حمله ارتجاعیت تحلیلی دانشکاه خود بهترین گواهیست".

جنبش بازگشایی دانشگاه و حشمت ارتجاع

به منظور زنده بخشدن به جنبش توده‌های و ارتقاء روحیه تعرضی توده‌ها میبایست به افدایات کمزدرتری دست زد، میبایست توده‌های دانشجویان و دانش آموزان را به حول با زکناشی دانشکاه بسنج نمود و نشان داد که کمونیستها در مبارزه علیه دیکتاتوری و سرکوب پیشترواوند میبایست مثل لیبرالیتهای عوام فریب را با زکرده و نشان داد که لیبرالیتهای خیانتکار، خائن به آزادی بوده و دانشکاهها را برای تربیست متخصصین و تکنسینهای مورد نیاز سرمایه داری وابسته میخواستند، میبایست توطئه فدا انقلاب فرهنگی رژیم را برملا نموده و نشان داد که هیات حاکمه و از جمله حزب جمهوری اسلامی پاسدار فرهنگ امپریالیستی و ارتجاعی میباشند و دشمن سرسخت فرهنگ کمونیستی و انقلابی اند. برای چنین اهدافی بود که سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار، دانشجویان و دانش آموزان - ان هوادار سازمان رزمندگان، دانشجویان پیکار و دانشجویان هوادار را هکارگر تصمیم سرکاری تظاهرات ۲۳ دیماه میگیرند.

در مقابل این تعرض انقلابی، وحشت سراپی رژیم جمهوری اسلامی را گرفت. تمامی دستگاره‌های تبلیغاتی رژیم، تمامی ارگانهای وابسته به آن و تمامی جناحهای هیات حاکمه ارتجاعی و به همراهمان تمامی ریزبونیستهای خائن بدلجن پراکنی علیه رهبران و کمونیستها و بخصوص سازمان ما پرداختند. رژیم مرتجع جمهوری اسلامی میدانست که توده‌های گسترده مردم را این افدامیشتیانی نموده و انجام این راهبردی ضربه‌بزرگی به هیات حاکمه وارد

میباشد. رژیم میدانست که برپایی تظاهرات کمونیستها تا شیرشگری بر سایر بخشهای جنبش گذاشته، اثرات توده‌های کمونیستی را بسازد و در زمان دیگر در میان توده‌ها مطرح ساخته و این تظاهرات همگامانه ملی در جهت بس زدن شرایط حقان و گسترش با زهم ستر جنبش توده‌ها عمل خواهد کرد.

رژیم میدانست که سرکاری این تظاهرات بشد و او را بتزوی ساختند، انقلاب را حشمت داد و نفوذ کمونیستها را در میان پرولتاریا و سایر توده‌ها تسریع خواهد نمود.

با توجه به این واقعیت‌ها بود که تمامی جناحهای رژیم و ریزبونیستهای مرتدو خائین به مقابل این راهبردی برجا شدند و کشف، - تربیاتی آنها مات صد انقلابی را علیه کمونیستها گفتند و نوشتند. در این مقابل هم مرتجعانه همه جناحهای هیات حاکمه توافق داشتند، همگامانه ارگانهای تبلیغاتی جناحها به حمله دست زده و با "آمریکا" "خواندن کمونیستها مذبحا کند کوشیدند تا از سرکاری را هیماشی جلوگیری کنند. حزبها را ضرورت خفه کردن تظاهرات در منطقه صحبت کردند، "میزان" ارگان لیبرالیتهای کمونیستها را "آمریکا" خوانده و "دفتر ریاست جمهوری" از "یورش کمونیستها" به دانشکاه صحبت کرد و در روز تظاهرات، رادیکال و نطق فدا انقلابی خمینی را حشمت به دانشکاه راپخش کرد، خمینی در این نطق گفته بود: "ما مگر ندیدید که آنوقت که دانشکاهها را زود فساد میبود، دانشکاهها سنگر بودا از برای کمونیستها و اطراف جنگ بود برای کمونیستها" و سپس خمینی مخالفت تند خود را با زکناشی دانشکاه و کمونیستها اعلام نمود. بدین ترتیب میبایست که همه جناحهای فدا انقلاب به موافقتی ارتجاعی علیه تظاهرات پرداختند و با هم قوا کوشیدند تا از سرکاری تظاهرات را جلوگیری کنند. لیبرال - های مرتجع اگر چه به لحاظ تضادی که با جناح حزبها دارند و آنرا که خود را از هژمونی نیستند، در تبلیغات علیه راهبردی نسبت به حزبها فعالیست کمتری داشتند، اما آنان کاملاً همبیمان با حزبها خواهان جلوگیری و سرکوب تظاهرات بودند، زیرا آنان میدانند که کمونیستها دشمن طبقه‌های سوزواری میباشند، زیرا آنان میدانند که اختلافات میان آنان با حزبها همبندتفا دشتی تا پذیرسان آنسان و کمونیستها هرگز نمیتوانند با زکناشی و دانشکاه در برابر انقلاب، متحد طبیعی شان حزبهای مرتجع میباشند. و افکار کمونیستهای پیکر همچنان به قدرت باسی خودمان طبقه توده‌ها ادا میدهند، اگر کمونیستها همچنان ماهیت همه جناحهای ارتجاع و از جمله لیبرالیتهای را افشا کرده و توده‌ها را از روی خط انقلاب و سرکونی کل هیات حاکمه پرورش دهند، آری در چنین موقعی جز این است که هستی فدا انقلاب محکوم به نابودی و ضلالت است؟

ارتجاع مباح خود را خوب میباشند و از

انقلاب سخت هراسان است و به همین خاطر از صبح روز ۲۳ دی ماه رژیم جمهوری اسلامی پاسداران، فدائیان و پارتیها، اوباشان و دارودسته های سرکوبگر ارتجاعی خود را در جلودا نشکا به سیج میکنند و نه تنها در برابر نشکا، بلکه تمام افراد مزدور متشکل در کمیته ها را در سطح شهر به حالت آمادگی در میاورد، ارتجاع در صدد است تا با اصلاح نظرات را در نطفه خفه کند و هیچگونه مادی اعتراضی بلند نشود. "کمیته مرکزی انقلاب اسلامی" در اطلاعیه مورخه ۲۳ دی ۵۹ به کمیونست ها و نظارت کنندگان اعلام میکند: "در صورت ایجاد هرگونه ناامنی و اختلال در نظم، از دستگیری و تحویل آنان به دادگاهها کزبیر خواهد بود و با افراد داخلی طبق مقررات زمان جنگ رفتار خواهد شد. "بدین ترتیب بسوزواری اعلام میکنند که حاضریه سرکوب خونین نظامی است. کنندگان است. بعلاوه رژیم با تبلیغات گسترده میگویند تا توده های آگاه در برابر نشکا به عنوان اعتراض تجمع نکنند، رژیم از قدرت نمایی توده ها برخوردار میسرودوسی میکنند تا چنین وانمود سازند که کمیونست ها کاملاً منفرد میباشند و توده های آگاه از آنان حمایت نمیکند. بسوزواری که در این دوره با اتکاء به تبلیغات شویونیستی در باره جنگ و روحیه دفاع طلبی توده ها تازانسته است تا حدودی خود را از زیر ضربات جنبشهای گسترده در آستانه مبارزه از اینک این را هیما می صورت بگیرد و توده ها را بطور وسیعتری به میدان مبارزه بکشاند، هراسناک است.

رویزونیست ها سگان نگهبان بسوزواری

در دفاع از بسوزواری جنایتکار، رویزونیست ها فعالانه علیه راهپیمایی و کمیونست ها سیج میشوند، رویزونیست ها که سگان نگهبان سرمایه داری میباشند، رویزونیست ها که سگان نگهبان نظام ارتجاعی کهنه و دشمن انقلاب و پرولتاریا میباشند، رویزونیست ها که نوکران بیخود دولت سرمایه داران بوده و همیشه برای قریب توده ها چهره گریه دشمن را منظره گری می نمایند، این بار نیز ما شنیدیم که به انجام وظایف مقدس خود پرداختند و با رهنمودیت خود را با پرولتاریای ایران و چاکری خود را به افراد منفوری چون بهشتی ها، رفسنجانی ها و بنی صدرها به نمایش گذاشتند. اینبار نیز در استان خون آلود جلادان کارگران، زحمتکشان و کمیونست ها را پنهان ساخته، از زمین سرمایه داران و جنگ ارتجاعی حمایت کرده و خیانت طبقه ای و پستی و ذلت خود را در طبقه اخلاص گذاشتند.

حزب توده خائن در دفاع از مستکبران، و قیام نامه زدن دولت جمهوری اسلامی خواست تا با نظرات کمیونست ها بمقا بله برخاسته و آنرا

خنثی و "سرکوب" نماید. فدائیان اکثریت خائن طی اعلامیه ای از مردم خواست تا این را هیما می را "تحریم" کنند و مسوزواریه چنین وانمود سازند که گویا راهپیمایی کمیونست ها این نمایندگان راستین پرولتاریا "بنفیع امپریالیسم آمریکا" است و رویزونیست های دیگر نیز در حمایت از دولت جبار کج و جنسک ارتجاعی خواستار تحریم نظرات انقلابیون کمیونست گردیدند. آیا واقعا میتوان انتظار دیگری از اینان داشت؟ آیا واقعا رویزونیست ها میتوانستند برخلاف ماهیت طبقاتی خود عمل کنند؟ آیا واقعا آنان میتوانند به پرولتاریا خیانت نکنند؟ نه و هزار بار نه! رویزونیست ها روسپیان سیاسی هستند که به قیمت خیانت کامل به پرولتاریا، خود را به بسوزواری فروخته اند. ما هرگز از رویزونیست ها انتظار نداریم که سرمایه داری را هیما می، کمیونست ها بخرزند. ما

طرفداران انقلاب و با زکشا می دانستگامیما بسیم یکی از سنگرها ی انقلاب میباشند.

در واقع حضور دهها هزار نفر از توده آگاه نشان داد که جو رکودی که در مقطع جنگ ارتجاعی بالا آمده بود، درهم شکسته و توده ها آمادگی دارند و توده های بیدار مبارزه گسترده قدم بگذارند. تجمع این توده کثیر نشان داد که ارتجاع بنفع برآمد بیشتر جنبش توده ای تغییر کرده و توده ها حاضرند علیه حکومت تعرض بیشتری نمایند. گرد آمدن این توده انبوه بیش از هر زمان دیگر نشان داد که دامن زدن به مبارزات توده ای، تشکیل دادن این توده آماد و رهبری فعال و پرتحرک آن، ضرورتی بس بزرگ است. در چند ماه اخیر و بخصوص از زمان جنگ ایسرا و عراق این بزرگترین نمایش قدرتی بود که ارتجاع در تهران میدید. نمایش قدرتی که به اینک از کمیونست ها صورت گرفته بود، این امر

اما علیرغم اینکه رژیم منفرجه جمهوری اسلامی به تبلیغات زهر آگین خود طبعی نظرات دست میزند و دسته های اوباش و جلاد خود را علیه کمیونست ها سیج میکند و علیرغم اینکه رویزونیست ها کثیف ترین همکاری را با دولت سرمایه داری انجام میدهند و توده ها را به عدم حمایت از کمیونست ها فرا میخوانند، دهها هزار توده آگاه به ندای کمیونست ها پاسخ مثبت میدهند.

بیا بگردیم و ببینیم چرا به نفع انقلاب و کمیونست ها بود، زیرا نه تنها توده انبوهی در جلودا نشکا گرد آمدند، بلکه همچنین واقعیت ها حکایت از انفرادی زهم بیشتر جمهوری اسلامی میکرد، چرا که کل نیروهای فعال سیج شده رژیم به دو هزار نفر میرسد و توده منزه می که دیروز از جمهوری اسلامی فعالانه حمایت میکرد، امروز به ناظر بیطرفی تبدیل شده بود، ناظرانی که فردا در صفوف جنبش به حرکت در میایند، بعد از اینکه سازمان فدائیان اکثریت به رویزونیسم کامل در غلطید و ضربه بس مهمی را به جنبش کمیونستی ایران وارد ساخت این اولین باری بود که توده کثیری بحول شمارهای قطب کمیونست سیج شده بود. خیانت فدائیان اکثریت اگرچه بطور موقتی باعث تقویت قطب صدا انقلاب گردید اما رشد مبارزه طبقاتی فعالیت کمیونست ها و صداقت و بیگیری آنان در امر مبارزه علیه حکومت، نفوذ توده های کمیونست را گسترده تر ساخت. نگاه به نقش مهم کمیونست ها (کومله، پیکار و...) در جنبش مقاومت کردستان، نگاه به فعالیتها و افتخارات کمیونست ها علیه رژیم نگاه به فعالیت سازمان در میان آوارگان جنگ و با لاف زدن نگاه به گرد آمدن توده آگاه در حمایت از کمیونست ها، بیا این واقعیت است که اگرچه هنوز کمیونست ها به اکثریت نیرومند توده ای و سراسری تبدیل نگشته اند، اما در سطح جامعه به یک نیروی غیر قابل انکار تبدیل شده اند. جنبش کمیونستی امروز فقط یک گرایش ایدئولوژیک نیست، این جنبش علیرغم

هرگز از رویزونیست ها انتظار نداریم که طرفدار انقلاب باشند. آنان سگان نگهبان بسوزواری هستند که بطرف انقلاب پارس میکنند، آنان در شرايطی که بسوزواری به وحشت افتاده، وظیفه دیگری ندارند، جز اینکه به جنبش توده ها پارس کنند، رویزونیست ها دشمن پرولتاریا هستند و کمیونست ها دشمن رویزونیست ها میباشند. همانطور که زندگی سنگین رویزونیست ها در چاکری بسوزواری و ضدیت با پرولتاریا خلاصه شده، زندگی بی افتخار کمیونست های راستین در مبارزه علیه دشمنان طبقه ای یعنی بسوزواری و رویزونیست ها تجسم یافته است. این قانسون مبارزه طبقاتی است!

گرد همایی دهها هزار نفر و برآمد قطب کمیونستی

اما علیرغم اینکه رژیم منفرجه جمهوری اسلامی به تبلیغات زهر آگینی علیه نظرات دست میزند و دسته های اوباش و جلاد خود را علیه کمیونست ها سیج میکنند و علیرغم اینکه رویزونیست ها کثیف ترین همکاری را با دولت سرمایه داری انجام میدهند و توده ها را به عدم حمایت از کمیونست ها فرا میخوانند، دهها هزار توده آگاه به ندای کمیونست ها پاسخ مثبت میدهند. دهها هزار توده آگاه در برابر نشکا حضور پیدا میکنند تا نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و تمام جناح پارتی و از جمله "فدائیان انقلاب فرهنگی" نفرت خود را ابراز دارند. دهها هزار توده آگاه با حضور خود در صحنه نشان میدهند که

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

خاسته‌های پیشا رویزیونیستی‌های گوناگون و علم‌ضعف‌های اساسی خود به یک جریسان اجتماع تبدیل گشته است، جریانی که ارتجاع ناگزیر است آنرا در محاسبات خود به حساب آورده و بی سبب سود که بمحض اعلام راهپیمایی ۲۲ دی ماه، ارتجاع ضلیمات گسترده‌ای علیه کمونیست‌ها سازمان داد و بی سبب نبود که عمده حملات ارتجاع علیه سازمان ما متمرکز بود. بسا توجه به نقش کنونی جنبش کمونیستی و توجه به نقش برجسته سازمان ما در جنبش کمونیستی، فعالیت انقلابی گسترده‌ای که در سطح جامعه به پیش میبرد و نقش فعالی که در جریان مبارزه طبقاتی از خود نشان مدهد، ارتجاع نمیتواند نسبت به جنبش ما رکبستی - لنینیستی و سازمان ما بی تفاوت بماند و مورد حمله طبقاتی خود قرار ندهد.

بدین ترتیب با توجه به نقش فزاینده کمونیست‌ها در پیش توده‌های جمع شدن توده کنیری از مردم تهران نه تنها نشانها نغیرا د بیشتر رژیم کمبود، نه تنها انفرادی اعتباری رویزیونیست‌ها را به نمایش گذاشت، نه تنها میزان نفوذ توده‌ای جنبش کمونیستی را مشخص ساخت، بلکه همچنین مرز بندی‌های سیاسی و طبقاتی را دقیقتر نمود، به این معنا که اعلام این راهپیمایی و گرد هم آیی توده کثیری از مردم آگاه در مقابل دانشگاه تحاصم میسان رویزیونیست‌ها و کمونیست‌ها را در سطح توده‌ها مطرح نمود و توده‌ها بطرز بارزی ضدیست رویزیونیست‌های خائن را با کمونیست‌ها دریافتند و پیش از پیش روشن شد که رویزیونیست‌های خائن مانده حزب توده خائن و اکثریتی‌های خائن حامی بورژوازی و دولت جمهوری اسلامی میباشند حال آنکه کمونیست‌ها رهروان راه پرولتاریا و انقلاب میباشند. تبارز این مرز بندی میسان رویزیونیست‌ها و کمونیست‌ها در سطح توده‌های گامی بود بفتح انقلاب و جنبش کمونیستی، زیرا توده‌ها بطور ملموس، تبارز میان رویزیونیست‌ها و کمونیست‌ها را در یافته و پیش از پیش درک کردند که چه کسانی مخالف انقلاب و چه کسانی موافق انقلاب میباشند.

مجاهدین و باز هم ناپیگیری و تزلزل

اعلام راهپیمایی برای بازگشتی دانشگاه موقعیتی بوجود آورد تا بکبار دیگر ناپیگیری سازمان مجاهدین خلق آشکار گردد. مجاهدین بکبار دیگر نشان دادند که مبنای حاکم بر آنسان نه مبنای انقلابی بلکه مبنای اصلاح طلبانه است. مجاهدین بکبار دیگر نشان دادند که چگونه تحت عنوان ما اصطلاح مبارزه علیه "پورتونیسیم‌چپ" به معنای طلبی با بورژوازی میپردازد و سیاست خود را تابع مقتضیات روز و وابسته به حرکات رژیم حاکم می نماید. در روز ۵۹/۱۰/۲۲ "تجدید انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی" در تبعیت از مبنای عمومی سازمان مجاهدین خلق اطلاعاتی مبتنی

بر این مضمون صادر نمود: "ما ضمن هشدار به همه (نیروهای مردمی و انقلابی) میخواهیم تا ما در پیش گرفتن سیاستی هشیارانه و لغزیدن به دامین ابورتونیسیم‌چپ اجتناب نکنند. از نظر ما همچنین سیاست نیروهای کدبا حرکات چپ روانه و سکتاریستی خود باعث تقویت ارتجاع شده و بسا نه مناسبتی بدست نیروهای سرکوبگر و چما قدار میدهدند محکوم است" برای پی بردن به کده سیاست راستروانه و انحرافی مجاهدین در قبال این واقعه انقلابی با بدینا این سؤال جواب داد که کیه اوضاع حاکم بر جامعه چیست؟ موقعیت دشمن چگونه است و قوای انقلاب در چه شرایطی بسر میبرند؟ و دورنمای جنبش از نیروهای انقلابی چه میطلبند؟

مگر نه این است که حاکم ما در شرایط اعتلا بسر میبرد؟ مگر نه اینکه تضادهای درون هیات حاکمه پیش از هر زمان دیگر شدت گرفته و آنرا مواجه با تزلزل گسترده‌ای ساخته است؟ مگر نه اینکه جنایات رژیم و فقر و فلاکت توده‌ها بیش از پیش توده‌ها را برانگیخته و بطور فزاینده توده‌ها از خود استعدا دمبارزاتی گسترده تری را نشان میدهد؟ آری در چنین شرایطی نقش عنصر آگاه چیست؟ آیا باید عنصر آگاه نقش پیشرو ایفا کرده و توده‌ها را به تعرض بیشتر علیه حکومت وادارویا با بددنیا له و جنبش توده‌ها بود و برای حرکات خود بخودی توده‌ها هورا کشید و سر تسلیم فرود آورد؟ آیا باید ایدمانه جنبش را گسترده ساخت و یا همچنان دست به عمارا ه رفت و نسبت به وسعت یا بی جنبش محافظه کارانه برخسورد نمود؟ آیا باید طرفدار انقلاب بود یا به توده‌ها گفت با مبارزات روزمره خود برای اصلاحاتی چند دلخوش باشید؟

واقعا مجاهدین برای این سئوالات چه پاسخی دارند؟ دوستان مجاهدیچگا ه آن مراجعت با انقلابی را نداشته اند تا در سطح جنبش بوضوح به این مسائل پاسخ گویند. بنظر ما این واقعیت عینی، آرایش طبقاتی سطح جنبش توده‌ای و میزان نفوذ جنبش آگاه است که مشخص کننده سیاست ما است. و نه سیاست عقب مانده و دنباله روانه‌ای که مجاهدین پیشنهاد مینمایند. مجاهدین در شرایط اعتلا تا کنیک انقلابی سازمان زدن به جنبش توده‌ای را "حرکت چپ روانه" آریا بسی میکنند، آنان کمونیست‌های پیگیر و بخصوص سازمان ما را مبتلا به "پورتونیسیم‌چپ" میدانند و اقعیت چیست؟ بدیده ما جریانی که در پیسی انقلاب نیاشد و بلکه بکوشد تا بروی جنبش خود بخودی توده‌ها لمدهد، هرگز نمیتواند تا کنیک انقلابی را درک کند و توده‌ها را بسوی مبارزه عصبی ترور دیکا لترسزق دهد. و بدیده مسابرواضح است که جنبش نیروی از راهپیمایی است - روانه و عقب مانده، مبنی کمونیستی پیگیر را "پورتونیسیم‌چپ" بنا مد.

انحراف اساسی دوستان مجاهدرا این است

که هنوز که هنوز است کابلارا و هام "تروعتت رژیم جمهوری اسلامی" خلابن شده و شونده اکریار سازش طلبی و فماتات با بخصوص بخشی از بورژوازی ایران یعنی ایسرا لها میباشند و به این لحاظ آنان در پی انجام انقلاب و سرنگونی هیات حاکمه نیستند. بحث بر سر در دستور و رفتار دادن شعار سرنگونی نیست، بحث بر سر اتحاد مبنی سرنگونی و تبعیت و پرورش توده‌ها، به حول ایدها انقلاب و سرنگونی رژیم است.

انحراف اساسی مجاهدین این است که در آرای جنبش مبنی ای نیستند و به همین خاطر هر سیاست انقلابی که مناسبتی سرنگونی میباشند را "پورتونیسیم‌چپ" قلمداد می نمایند. مجاهدین از راهپیمایی به نفی شعار هسای انقلابی و سیاستهای انقلابی سرستند، چرا که خود بدور از یک مبنی انقلابی میباشند، مبنی ای که خواهان سرنگونی و انقلاب است. مجاهدین پیوسته سیاستهای انقلابی سازمان ما را "چپ - روانه" طرزه داده اند. بهنگام اشغال سفارت، بهنگام شرکت فعال در جنبش معامت کردستان، بهنگام افشای تیر حمانه هیات حاکمه ارتجاعی، بهنگام حمایت بیدریغ ما از جنبش‌های توده‌ای و غیره و غیره، ولی زمانیکه ما را با رها صحبت نظرات ما در برابر شکما رزه طبقاتی انطباق گردیده و ما مجاهدین در سرا بر و افعات راهبسی و پیش نداشتند، آنکا ه کوش کرده اند خود را با شرایط جدید تطبیق داده و چنین وانمود سازند که کویا از ابتدا خود بجز چما رحط صحیح و انقلابی بوده اند (!؟) (مانندوا فعه سفارت) آری پرا تیک مبارزه طبقاتی با رها ثابت کرده است که خط ما نه "چپ روانه" بلکه خط بیگمرو خط مجاهدین نه "خط انقلابی" بلکه خط ناپیگیر و راستروانه بوده است.

مجاهدین میکوشند این "حرکات چپ روانه و سکتاریستی" (منظور تا کنیک انقلابی است) باعث تقویت ارتجاع شده و بسا نه مناسبتی بدست نیروهای سرکوبگر و چما قدار میدهند. آریا بی ما بر آنست که تا کنیک انقلابی با رگشتی دانشگاه مبره ضعیف ارتجاع شده و ایدمانه جنبش را تقویت می نماید، اما مجاهدین میکوشند ارتجاع تقویت می شود.

مجاهدین میکوشند تا بد مبارزه انقلابی کرد چرا که ارتجاع تقویت می شود و نیرو هسای سرکوبگر و چما قدار به مناسبتی بدست می آورند. مجاهدین ارما هیت طبقاتی ارتجاع حرکت نمیکند، مجاهدین مبارزه انقلابی را با بهای صلی سرکوب طبقاتی فرامیدهند. بورژوازی سنا به ما هیت طبقاتی خود به سرکوب انقلاب میرد از د، از نظر یک طبقه ارتجاعی، هر اعتراض و مبارزاتی علیه آن "تنج" توده و نهان است - ای برای سرکوب انقلاب است ما از مجاهدین میبیرسیم مگر شما کم مظلوم تاشی کرده اند؟ مگر شما کم مظلوم تاشی نموده اند؟ مگر شما کم مظلوم تاشی انقلابی طرزه رفتند؟ جواب روشن است، شما اسام در مقابل ارتجاع کوتاه آمده اند.

اما آیا رتجاع در قبال شما و هوا داران انقلابیتان
کونا آهده است؟ هرگز! پس می بینید که
ارتجاع احتیاج به پناهنده دارد، و بر آن است که
نوده ها نیا بد میارند که نندندت بدین ترتیب
حاکمیت طبقاتی ستمگران سرقران رسا نند.

پرواضح است که سیاست راستروا نسه
مجا هدین در قبال اوضاع کنونی و موضع انحرافی
آنان در قبال کمونیستها و ناکتیک انقلابی
با زکشی دانسکا هتمیتوا ندیه محکوم کردن
یک مبارزه انقلابی نیا نجامد، و افعا تا سف آور
است ببینید تزلزل یک نیروی ضد امپریالیست چگونه
به یک سیاست انحرافی و نخطئه آمیز منجر میگردد
و افعه با زکشی دانسکا هیکبار دیگر نشان داد
که مجاهدین در مرز بندی خود علیه بورژوازی
دچار تزلزل بوده و این تزلزل خود را بطور
بارزی در محکوم ساختن یک مبارزه انقلابی به
نمایش میگذارد.

راه کار گرو و تسلیم طلبی در سیاست و عمل

جریان با زکشی دانسکا همرز بندیه های
سیاسی - طبقاتی را در عرصه دیگر نیز مشخص تر
شود، و نشان داد که چگونه نیروهای متزلزل
در ابتدای راه با زیمینا نند، راه کارگر که یکی
از نیروهای شرکت کننده در کمیته برگزاری بود
یکبار دیگر در عرصه سیاست و عمل نشان داد
که چقدر نایبگیر و متزلزل است، راه کارگر
یکبار دیگر در عرصه سیاست و عمل نشان داد که تا
چه میزان تحت سیطره انحراف رویونیستی
قرار گرفته و تا چه میزان در مقابل بورژوازی و
نیروهای سرکوبگرش دچار تزلزل و تسلیم
طلبی است. جنبش با زکشی دانسکا ه به جنبش
کمونیستی نشان داد که کوشش نیروی ما نند راه
- کارگرا نیه کجاست و اینک توده های آگانه نیز
با بدیدانند که راه کارگر چقدر متزلزل و نایبگیر
است و راهی که در پیش گرفته راه چریکهای فدائی
اکثریت است، آری توده های آگانه با بدیدان
پیدا کنند تا به مرز بندی دقیق با نیرو هسای
نا بیگردست یا فته و نسبت به انحرافات عمیق
آنان آشنا گردند.

راه کارگرا ن توجه به این امر که معتقد است
جنگ ارتجاعی ایران و عراق عا دلانه است، با
توجه به اینکه بر آن است که با بدیدان زیمینا ن
در برابر رژیم عراقی حما یه نکرد و با بقول خود
از "بدشخصی در برابر" بدتر شخص دفاع نمود و با
توجه به اینکه معتقد است در این شرایط، رژیم
مرتجع جمهوری اسلامی را نیا بد تضعیف نمود،
در برنا ه کمیته برگزاری خود را شرکت میدهد.
سیاست کمیته برگزاری از برپائی راه هیما ن
با زکشی روشن بود؛ نجام یک تظاهرات علیه
رژیم جمهوری اسلامی و آنهم در زمانی که کماکان
جنگ ارتجاعی ادامه دارد اما راه کارگر برخلاف
تمامی تحلیلهای خود از جنگ و رژیم کما علام
مواقفت جهت شرکت در این راه هیما ن می نماید.
چرا راه کارگر برخلاف تحلیلهای پیش جهت شرکت

اعلام آمادگی کرد؟ راه کارگرا ن به نیروی
میان ما رژیم و رویونیسم در نوسان است،
از انحراف در جنبش کمونیستی راه سا ناک بود و
بر خلاف تحلیلهای پیش تحت تاثیر طب چپ آمادگی
خود را جهت شرکت اعلام نمود.

اما در کمیته برگزاری چه گذشت؟ راه کارگر
بر اساس مئی راستروا نه و انحرافات رویونی -
نیستی خود معتقد بود که در تظاهرات فقط راجع
به دانسکا ه با بدیدان را در مورد گذشتن رژیم
در کردستان و ترور و شکنجه حکومت جمهوری
اسلامی، در راه هیما ن شای نیا بد مطبوع
ساخت. راه کارگرا ن درک راست رویونیستی
خود میگوید تا هدف تظاهرات را محدود به باز
گشائی دانسکا ه نموده و آن را نسبت به جنایات
ستمگران رژیم بی تفاوت نشان دهد، راه کارگر
حتی تا آنجا جلو میروید که میگوید بجای شعار
"از قحطی و گرا نی، مردم به تنگ آمدند" نیا بد
گفت: "از احتکار و گرا نی و... یعنی همان
تزلزل رویونیستیهای اکثریت! همان تزی که
نمیخواهد سیستم کارگرا محکوم کرده و آن را سیستم
قحطی و گرا نی برای توده ها نشان دهد، بلکه
میخواهد چندان جوشم کند راه عا مل اساسی
نا بسا ن نیا نشان دهد و ملی کردن توسط رژیم
جمهوری اسلامی را راه نجات بنمایاند، البته
انحراف راه کارگر در کمیته برگزاری به سوار
فوق محدود نمیگردد، و در مقابل رفقا ئی که
خواهان افشای حزب توده به نایبگیر و
رویونیستی و ضد انقلابی میباشند موضع
مخالفت گرفته و اطلاق "رویونیست و ضد انقلابی"
را در مورد حزب خا شن توده ها درست میداند،
ببینید رویونیست ما کجا عمق یافته است!
پرواضح است جریان نیه که سوسال امپریالیسم
شوری را سوسالیستی جلوه دهد، نیروی کار -
گرا رومرتجمی چون حزب توده را نمیخواهد
انقلابی قلمداد نماید، آیا با دتا ن هست که
چریکها قبل از استخا له کما مل خود از موضع
انقلابی گذشته دست کشیده و به حزب توده
"اپورتونیست" اطلاق کرده و سپس حزب توده را
تا مقام نیروی ضد امپریالیستی و درون جنبش
کمونیستی ارتقاء داده اند؟! امروز راه کارگر به
همان راه میروید، راه کارگر در کمیته برگزاری به
راه خود ادامه میدهد، تمرکز نیروهای پاسدار و
حزب اللهی و سیخ ارتجاع در برابر دانسکا ه
راه کارگرا وحشت زده کرده و ندیدان متزلزل
می نماید. برپا یه این راه سراسیمگی راه -
کارگر در کمیته برگزاری مطرح میکنند؛ تا زمانی
که بنی صدر در مورد تظاهرات موضع نگرفته بود
امکان سرکوب ضعیف بود ولی در حال حاضر که
بنی صدر نیز علیه راه هیما ن موضع گرفته بدین
معناست که همه جناحهای رژیم روی سرکوب
توافق دارند و بنا بر این با بدیدان هیما ن را
لغو نمود!

آیا این مسئله زقیل روشن نبود که همه
جناحهای هیات حاکمه روی سرکوب انقلاب و
جنبش توافق دارند؟! با به امید عا بت لیرا لها

با بدیدان به تظاهرات راه کارگرا ن نیا
دارد که همه بخشهای حکومت در سرکوب جنبش
توافق نداشتند، ناعرضی انقلابی نمود،
چنانچه انتظار عبثی! نجر به دوا له حکومت اسلامی
پیوسته نشان دادند که همه جناحهای ضد
انقلاب، جناحتا روسکوبیکرا انقلاب و آزادی می
- با شند، تمرکز نوا ی دشمن و توافق همه جناح
- های رژیم راه کارگرا ن به راه سمانند زد و
راه کارگر در آغاز راه اعلام میکنند که خود را کمند
بیرون میروید، تسلیم طلبی راه کارگرا ن نیا
چه بود؟ نتگما مل انحراف رویونیستی راه کارگر
ریشه این تسلیم طلبی است، تسلیم طلبی در عرصه
سیاست و تسلیم طلبی در عرصه عملی در مقابل
بورژوازی، ریشه در تگما مل رویونیسم در راه -
کارگرا نند، تحلیلهای رویونیستی و راست
راه کارگر در قبال جنگ و حکومت نمیخواهد
تزلزل و تسلیم طلبی در عمل نیا نجامد، راه کارگر
بر خلاف مئی خود برای منزوی نشدن به کمیته
میاید، اما واقعتا مبارزه طبقاتی و فشا ن
رویونیسم راه کارگرا نجا ی خود با زیمینا نند،
راه کارگر نمیخواهد نایبگیر و انحرافیت خود کما
بردا ر د و به همین خاطر مجبور است کما می را که به
جلوگذا شته به عقب برگردد، چریکهای اکثریت
بر بستری از تگما مل رویونیسم در جریسان
مقاومت دانسکا ه در اول اردیبهشت ۵۹ در نیمه
راه متوقف شده و به سازش پنهانی با بورژوازی
دست زدن و با لخره به کنداب رویونیسم در -
غلطیدند، راه کارگر نیز بر بستری از تگما مل رویونیسم
در جریان با زکشی دانسکا ه در اول راه متوقف
شده و پرچم تسلیم طلبی را برافراشت، حرکات
راه کارگر به اینجا محدود نشد پس از اینکه راه -
کارگرا ن لغو تظاهرات بطور کلی میگردد،
رفقای کمیته هما هنگی در برابر این موضع
تسلیم طلبانه مقاومت کرده و موضع راه کارگرا
مردود میباشند، و خود مطرح میباشند که تظاهرات
مرکزی با بدیدان تظاهرات موضعی تبدیل گردد،
و فرمولی به این مضمون را قید می نماید که
تظاهرات در این محل منحل و در اشکال دیگر
ادامه می یابد.

در واقع همه رفقای کمیته هما هنگی جز راه
- کارگرا اعلام میدارند که در این روز تظاهرات
بشکل موضعی با بدیدان صورت بگیرد، و لغو عفو می
تظاهرات حرکتی انحلال طلبانه و تسلیم طلبانه
میباشند، اما راه کارگر حرکتها نسته بود موضع
اپورتونیستی خود را بقبولاند از کمیته بیرون
رفته و بدروغ بصورت کتبی و شفاهی اعلام میکنند
که تظاهرات از جانب کمیته هما هنگی لغو اعلام
گردیده است! سپس دانشجویان راه کارگر
فردای روز تظاهرات اعلامیه ای بخش نمودند و در
آن چنین مینویسند:

"... آنها (دولت) آشکارا قصد خود را به
سرکوب و خا ک و خون کشیدن راه هیما ن
اعلام کرده بودند، از این جهت کمیته برگزاری
مراسم گما نسا شتهای پلید آنها مطلع شده
بود و میدانست آنها با ردیکر میخواستند خون

جوانان ما را در جلوی دانشگاه بر زمین
بریزند علامه لومبارا سم نمودند، آنها با این
تصمیم انقلابی خود نشان دادند که هر چه
مرج طلب نیستند، آنها با هشیاری توطئه
های حاکمیت را خنثی ساختند، مردم مس
دیگ میدانند که آشوب طلب کیست!

عجب می بینید راه کارگر چگونه وقایع را
تحریف کرده و دورغ میگوید! می بینید راه کارگر
چگونه به صداقت انچه پشت کرده و دورغ شاخ
داری را تحویل مردم میدهد! حداقل اگر راه کارگر
چشمهای خود را باز نگه داشته بود میدید که تظاهرات
موضعی در کجا و چگونه صورت گرفت میدید که رفقای
انقلابی که از تظاهرات موضعی با خبر شده بودند
نریا دهای خود را علیه رژیم مرتجع و تشهکار
جمهوری اسلامی سردادند، بدین ترتیب میبینیم
که راه کارگر نه تنها در کمیته برگزاری موضع
تسلیم طلبانه اتخاذ نمود، نه تنها به هنگام
تظاهرات موضعی باتسلیمات شفاهی و کتبی خود
را زکنی در صفوف تظاهرات هر کسندگان برداخت
بنکه علاوه تلویحا رفقای که به تظاهرات
موضعی برداختند را "هرج و مرج طلب" مینامد،
آری تظاهرات انقلابی که در آن بیش از پنجاه
هزار نفر شرکت میکنند از نظر راه کارگر
آشوب طلبی از آب در میآید!

آری این مواضع و حرکات راه کارگر اتفاقی
نیست این سیاستها در ادامه همان انحرافات
عمیقاً شدت یافته رویزونیستی راه کارگر و
نتیجه مشی شدید استروانه حاکم بر آن است، مسست و
سوئی که این سیاستها و مواضع ترسیم مینمایند
سمتگیری بسوی رویزونیستیهای فداکاری
اکثریت خائن میباشد، راه کارگر باید بداند که
موضع کنونی او یک موضع گذرا میباشد، راه کارگر
باید هر چه زودتر انتخاب کند یا انقلاب و مارکسیسم
نفی انقلاب و رویزونیسم، راه کارگر تاگزیر
از انتخاب یکی از این دو راه میباشد.

اکنون این سوال پیش میآید که آیا با در
ظرف گرفتن تزلزل و ناپیگیریهای شدید راه
کارگر اصولی این نبود که از همان ابتدا از ورود
راه کارگر به کمیته برگزاری جلوگیری میشد؟
بنظر ما این نحوه برخورد با مسئله، کار درستی
نیست، شیوه اصولی برخورد با این است که از

ابتدا پلاتفرم مشخصی در چارچوب اهداف راه
همایشی در نظر گرفته شود و نیروهای انقلابی ای
که با این پلاتفرم موافقت داشته باشند در کمیته
برگزاری شرکت نمایند، این پلاتفرم برگزاری
را همایشی ۲۳ دی میبایست تا ظرف برز بندی
انقلابی با لیبرالها در زمینه با زگشا شستی
دانشگاه و همچنین موضعگیری در برابر حزب
توده و فدائیان اکثریت، بعنوان نیروهای
رویزیونیستی و فدا انقلابی میبود، به این ترتیب
شرکت راه کارگر در کمیته برگزاری مؤکول به
پذیرش این پلاتفرم میشد و آنچه که بنظر ما به
کمیته برگزاری انتقاد وارد است این است که
با بداهت از همان ابتدا روی پلاتفرم فوق تکلیف

وسیع، تصمیم به تغییر محل را همایشی و انحام
آن بصورت موضعی از دو محل جداگانه گرفتند.
بنظر ما این برخورد کمیته برگزاری، برخوردی
محافظة کارانه و نشان عدم درک اهمیت سیاسی
این راهپیمایی است که در نظر نگرفتن تناسب نیروی
وسیع شرکت کننده در راهپیمایشی و جمعیت
نسبتاً محدود نیروهای فائز و عمال ارتجاع از
سوی دیگر بود، با توجه به اهمیت سیاسی و ضرورت
حفظ جنبه تعرضی این راهپیمایشی و با در نظر
گرفتن برتری قاطع نیروهای شرکت کننده در
راهپیمایشی که دست کم به چهل هزار نفر میرسید
نسبت به نیروهای فائز که بیش از ۲ هزار تن
نبودند میبایست این راهپیمایشی طبق برنام

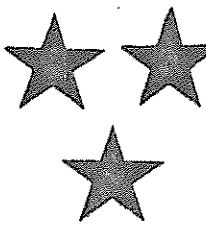
مواضع و حرکات راه کارگر اتفاقی نیست، این سیاستها در ادامه همان انحرافات عمیقاً شدت یافته رویزونیستی راه کارگر و نتیجه مشی شدید استروانه حاکم بر آن است. مسست و سوئی که این سیاستها و مواضع ترسیم میکنند سمتگیری بسوی رویزونیستیهای فداکاری اکثریت خائن میباشد. راه کارگر باید بداند که موضع کنونی او یک موضع گذرا میباشد. راه کارگر باید هر چه زودتر انتخاب کند یا انقلاب و مارکسیسم نفی انقلاب و رویزونیسم، راه کارگر تاگزیر از انتخاب یکی از این دو راه میباشد.

قبل از جلودانشگاه و از خیابان فخر رازی
صورت میگرفت، در این صورت تمام جمعیت
شرکت کننده قادر میشدند در راهپیمایشی بطور
فعال شرکت جسته و نمایش عظیمی را علیه رژیم
جمهوری اسلامی صورت دهند، در حالیکه تغییر
برنامه را همایشی موجب گردید تا اولاً نیروها
تجزیه شده و ثانیا همبسیاری از افراد شرکت کننده
بدلیل عدم اطلاع از برنامه جدید نتوانستند
را همایشی موضعی شرکت نمایند، ضمناً مکان
درگیری وسیعی بین نیروهای فائز و پادشاهی
افراد شرکت کننده نیز آنگونه که کمیته برگزاری
بدان اعتقاد داشت نیز بنظر ما با توجه به شرایط
سیاسی و مشکلات محدودیتهای رژیم درگیر
آن است و با توجه به انبوه جمعیت شرکت کننده
در راهپیمایشی وجود داشت و از آنچه که در حالت
دوم یعنی تظاهرات موضعی بوجود آمدند تسر
نمیرفت، ما خواهیم کوشید تا با بررسی دقیق تر
و روشن تر از این تظاهرات جمعیت خود را از
اشکالات و ضعفها آراسته نموده و بنحویه خود جنبش
را در راهپیمایشی با زهم بیشتر مدد رسانیم.

میگردوراه کارگر در صورت الزام به رعایت مواد
آن شرکت داده میشد تا بعداً نتوانند در اینچسب
آنجا کمیته را از نظر موضعگیری سیاسی
دچار اشکال سازند، این مسئله ای است که باید
در آکسیونهای بعدی دقیقاً مورد توجه قرار
گیرد، روشن است که شرط ورود راه کارگر به
کمیته برگزاری این آکسیونها اولاً پذیرش
پلاتفرم مربوطه و ثانیا برخورد انتقادی بر حرکت
اپورتونیستی و غیراصولی است که در راهپیمایشی
اخیر از خود نشان داده و ما در باب آن صحبت
کردیم.

انتقادها

بدین ترتیب علیرغم تسلیمات و تهدیدات
ارتجاع، علیرغم تلاشهای فدا انقلابی رویزیو
نیستها دهها هزار نفر توده آگاه و در جلوی دانشگاه
گرد میآیند و نشان میدهند که طرفدار کمسب
دمکراسی و خواهان انقلاب میباشد، اما در
همین هنگام کمیته برگزاری براساس اندکی قبیل
از فرارسیدن ساعت شروع راهپیمایشی با توجه به
تمرکز نیروهای فائز و پادشاهی در مکان درگیری



دانشجوی مبارز، به یاری توده ها، سنگ خود را بگشا!